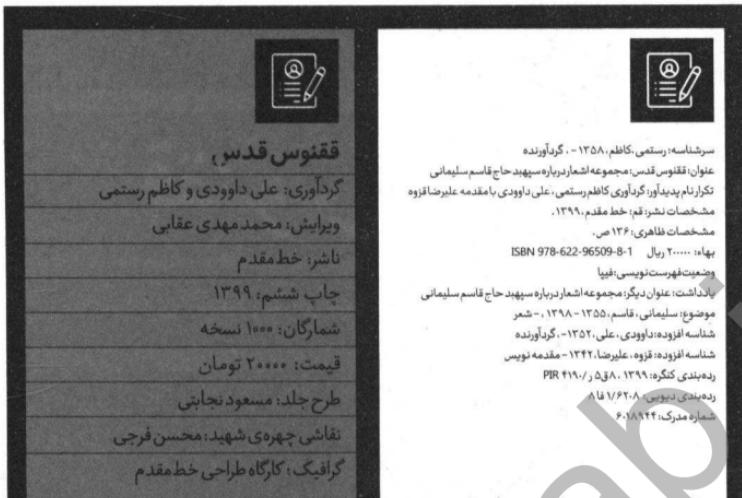


ققنوس قدس

مجموعه اشعار درباره سپاه شهید حاج قاسم سلیمانی



کردآوری:
علی داودی - کاظم رستمی



سازمان: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتابخانه ملی ایران

عنوان: ققنوس قدر، مجموعه آشنازدرباره سپهبد حاج قاسم سلیمانی
تکرار نام: دیباور، گردآوری کاظم رستمی، علی داؤودی با مقدمه علیرضا افروزه
مشخصات نشری: چهارمین انتشار، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: خط مقدم، ۱۲۷ ص.

بها: ۲۰ ریال ISBN 978-622-96509-8-1

و عنوان: مجموعه آشنازدرباره سپهبد حاج قاسم سلیمانی

موضع: سلیمانی، قاسم - ۱۷۵۰ - ۱۷۹۰ - شعر

شناسه افرادی: داؤودی، علی - ۱۳۵۲ - گردآورنده

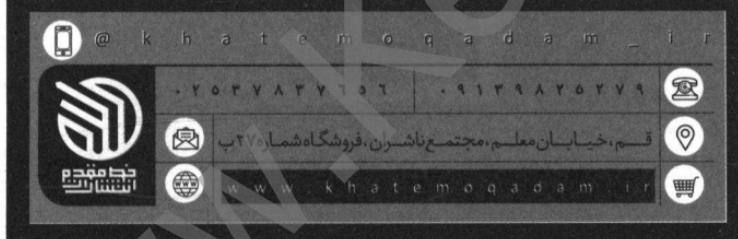
شناسه افرادی: فرجی، محسن - ۱۳۴۴ - مقدمه نویسنده

ردیبلندی: کنگره: PIR ۴۱۹/۷، قرآن، ۱۳۹۹

رده‌های دیجیتی: ۸۰۰.۸ / ۶۰۲.۸

شماره مرکز: ۱۸۱۴۴

اگر تعداد ۱۲ عدد و بیشتر، از این کتاب را برای اهدا به مناطق محروم، مدارس، مساجد، کتابخانه‌ها، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، پادگان‌ها و... تهیه می‌کید، انتشارات خط مقدم در این امر فرهنگی با ارایه تخفیف ۲۵ درصدی با شما سهیم خواهد شد.



تو جاودانه شدی، ای مرد! ای مردتر از مردانگی! اکسیر ناب
جاودانگی! ای خضرت راز آب حیات! شهید تا همیشه! معصومیت
محض! آقا حاج قاسم عزیز که نامت حتی اشک می‌شود تا هنوز

در چشمانم!

مطلوب انقلابی دلتنگ! قدیس قدسی سپاه قدس! فرمانده
دلها... که شعرو نشو ادب و هر چه هنرو زیبایی، در برابر نام
کوچک می‌شود! ای اخلاص ناب! عبد پاک! روح زلال! عاقل
عاشق! بنده‌ی خوب خدا!

از تو گفتن دشوار است، ای ساده‌تر از سادگی! ای بی‌ریای
خودمانی! فشرده‌ی معنویت! اکسیر عشق! عاشق بی‌ادعا! چقدر
در کنار نام تو، واژگان آسوده‌اند؛ انگار واژگان هم مثل بچه‌های
مدافع حرم می‌خواهند تورا بوسند! پیشانی غیور تورا بوسیده‌ام
دارد! و من چه قدر خوشوقت‌ام که روزی پیشانی غیور تورا بوسیده‌ام
و تو بی‌تمام بزرگی‌ات، پیشانی مرا با بوسه‌ات به آسمان رسانده‌ای.
سردار... آه سردار زخم خورده‌ی من... سردار اریا آرباشده در کنار
خیمه‌گاه حسین علیه السلام! مدافع حرم زینب و حسین و ابوالفضل! ای
خدم‌الرضا که رضای خدا، رضای تو بود! ای مهریان با همه؛ حتی
با آنان که گاه حُرمت نگاه نمی‌داشتند! ای شفیع همه... که روز
رفتنت چقدر معجزه دیدیم! روزی کز سنگ نیزناله برآمد!

دنیا چقدر مثل تو کم دارد، حاج قاسم عزیز!

تو چقدر به خدا نزدیک شده‌ای، حاجی! و ما چقدر
دور شده‌ایم از خود و خدا!
بگذار این نامرد از خود راضی، این شمرت راز بیزید و این
انس تراز این زیاد، همچنان در نقط ناشیانه‌ی خود، تورا
تپریست بخواند! مختارهای همین دو فردای نزدیک،
پاسخ درخوری به یاوه‌هایش خواهند داد! توبیدی، سردار!
تو فاتح شدی! تو نور شدی! رها شدی؛ رهاتر از رها،
به سمت جاری لاله‌الله، در آبی شهادتین اشهد ان
لا... چیری می‌گوییم و چیری می‌شنوی... حاجی، نور
نور شدی وقد کشیدی تا اسمان... دو هزار حاج قاسم
با هودج نور می‌بینم، و به لاله‌الله قسم که راست
می‌گوییم... دو هزار مجلس عرا در یک روز، سهم تواز
دل تنگی ماست. نصیب آن شوربخت نادان خود پرست
اما جز هزار هزار نفرین، چیری نبود...
خدایا، به حُرمت حاج قاسم شهید ما، و الهی به
احترام این خون پاک که بعد از خون حسین علی عَلَّهِ،
خونی چنین اثرگذار در سرزمین عراق برزمین نزدیت که
این واژگان و این شعرها و این قبیل تosalat عاشقانه‌ی
موزون را از شاعران در داشتنای ما بپذیر و ما را فردای
رستخیز، از شفاعت این شهید تراز شهید پر نصیب فرمای
به حق محمد و آل محمد عَلَّهِ. آمين.